

Behavioral model of profit management based on environmental factors and implicit knowledge of managers

Abas Alizadeh¹, Asgar Pakmaram², Saeid Jabbarzadeh Kangarluei³, Jamal Bahrisesales³

Received: October 2, 2024

Accepted: December 23, 2024

Abstract

Purpose: The purpose of this study is to present a behavioral model of earnings management based on environmental factors and managers' tacit knowledge using a qualitative approach and grounded theory.

Methodology: The data collection tool was semi-structured interviews with experts, and for this purpose, in 2021, in-depth interviews were conducted with 12 experts who were experts and experienced in the field of earnings management behavior using purposeful snowball sampling until saturation. Then, the research data was analyzed using the coding method and using MAXQDA.

Findings: The results showed that the most important factors affecting earnings management behavior include institutional environment, environmental uncertainty, market reaction, strategic opportunities, environmental complexity, tacit knowledge, and managers' experience.

Originality: The categories of unethical behavior, behavioral and ethical standards, lack of adherence to ethical principles, moral culture and values, moral stagnation, moral standards, beliefs, ethics and religious precepts, personality traits, moral perception and moral leadership constituted the background conditions. The intervening conditions have the main categories of monitoring personal judgments, stable and monitored information, monitoring reflected earnings, adjusting conflicts of interest, crediting information, audit quality, supervisory mechanisms, internal controls, limiting opportunistic behaviors and controlling managers' incentives. The only main strategic category, earnings management behavior methods and ultimately its consequences including reduced social trust, reduced economic health of the country, reduced industry health, and market inefficiency, were identified.

Keywords: Earnings management behavior, environmental structures, tacit knowledge and experience of managers, ethical characteristics, supervision and auditing.

JEL Classification: M41.

1. PhD Student, Accounting Department, Faculty of Humanities, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

2. Associate Professor, Accounting Department, Bonab Branch, Islamic Azad University, Bonab, Iran. (Corresponding Author). (pakmaram@iau.ir)

3. Associate Professor, Accounting Department, Faculty of Humanities, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

Cite this paper: Alizadeh, A., Pakmaram, Asgar, Jabbarzadeh Kangarluei, S., & Bahrisesales, J. (2024). Behavioral model of profit management based on environmental factors and implicit knowledge of managers. *Journal of Accounting & Financial Transparency*, 2(3), 54–73. [In Persian]

 <https://doi.org/10.71965/aft.2024.1185700>



الگوی رفتاری مدیریت سود مبتنی بر عوامل محیطی و دانش ضمنی مدیران

عباس عالی زاده^۱، عسگر پاک مرام^۲، سعید جبارزاده کنگرلویی^۳، جمال بحری ثالث^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

چکیده

هدف: هدف این پژوهش ارائه الگوی رفتاری مدیریت سود مبتنی بر عوامل محیطی و دانش ضمنی مدیران که با استفاده از رویکرد کیفی و به کمک نظریه داده بنیاد می‌باشد.

روش‌شناسی: ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختار یافته با خبرگان بوده و به این منظور در سال ۱۴۰۰ با استفاده از نمونه‌گیری هدفمندگلوله برفی با ۱۲ نفر از خبرگان که در زمینه رفتار مدیریت سود صاحب نظر و دارای تجربه بوده‌اند، مصاحبه‌های عمیق تا مرحله اشباع صورت گرفت. سپس داده‌های پژوهش با استفاده از روش کدگذاری و با بهره‌گیری از نرم افزار مکس کیودا مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که که مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر رفتار مدیریت سود شامل محیط نهادی، عدم اطمینان محیطی، واکنش بازار، فرصت‌های استراتژیکی، پیچیدگی محیط، دانش ضمنی و تجربه مدیران می‌باشد.

دانش افزایی: مقوله‌های رفتار غیراخلاقی، ضوابط رفتاری و اخلاقی، عدم پایبندی به اصول اخلاقی، فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی، رکود اخلاقی، موازین اخلاقی، عقاید، اخلاقیات و احکام دینی، ویژگی‌های شخصیتی، ادراک اخلاقی و رهبری اخلاقی شرایط زمینه‌ای را تشکیل دادند. شرایط مداخله‌گر دارای مقوله‌های اصلی نظارت بر قضاوت‌های شخصی، اطلاعات پایدار و نظارت شده، نظارت بر سود منعکس شده، تعدیل تضاد منافع، اعتباردهی به اطلاعات، کیفیت حسابرسی، مکانیزم‌های نظارتی، کنترل‌های داخلی، محدودیت در رفتارهای فرصت طلبانه و کنترل انگیزه‌های مدیران است. تنها مقوله اصلی راهبردی، شیوه‌های رفتار مدیریت سود و در نهایت پیامدهای آن نیز شامل کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش سلامت اقتصادی کشور، کاهش سلامت صنعت، عدم کارایی بازار شناسایی گردید.

کلیدواژه‌ها: دانش ضمنی و تجربه مدیران، رفتار مدیریت سود، سازه‌های محیطی، نظارت و حسابرسی ویژگی‌های اخلاقی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

۱. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

۲. دانشیار، گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. (نویسنده مسئول). (pakmaram@iau.ir)

۳. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

استاد: عالی زاده، عباس، پاک مرام، عسگر، جبارزاده کنگرلویی، سعید، و بحری ثالث، جمال. (۱۴۰۳). الگوی رفتاری مدیریت سود مبتنی بر عوامل محیطی و دانش ضمنی مدیران. *حسابداری و شفافیت مالی*، ۲ (۳)، ۵۴-۷۳.

مقدمه

مدیران از طریق آزادی عمل خود بر روی سود گزارش شده اعمال مدیریت می‌کنند و به این ترتیب پاداش خود را افزایش می‌دهند که هنگامی که انتظار می‌رود سود بین حد بالا و حد پایین پاداش قرار گیرد، انتخاب مدیران در جهت افزایش سود خواهد بود و هنگامی که انتظار می‌رود سود بالاتر از حد بالا و یا پایین‌تر از حد پایین باشد، مدیران سود را به منظور افزایش سود دوره‌های آتی، به دوره‌های مذکور انتقال می‌دهند که به عبارت دیگر، مدیران تمایل دارند تا در جهت افزایش پاداش خود به اعمال مدیریت سود در دوره‌های سودده و زیان ده شرکت پرداخته و در دوره‌های سودده به هموارسازی سود بپردازند (هانگ و سان^۱، ۲۰۱۷). از این رو، اگر گزارش چنین رفتارهای فرصت طلبانه‌ای بصورت شفاف‌تر افشاء شود، مدیران نیز سود را دقیق‌تر ارائه می‌کنند. لذا می‌توان گفت که مدیران تمایل به انجام مدیریت سود دارند و رویکردهای نظارتی مانند انجام حسابرسی می‌تواند منجر به کاهش آن گردد. رفتار غیر اخلاقی مدیریت سود یکی از موضوع‌های جذاب در پژوهش‌های تجربی حسابداری و رفتاری است. مدیریت سود، مداخله عمومی مدیریت در فرآیند تعیین سود و غالباً در راستای اهداف دلخواه آن می‌باشد. دستکاری فعالیت‌های واقعی، انحراف از روشهای عادی عملیاتی بوده و با هدف اولیه برآورده سازی آستانه‌های خاص سود انجام می‌گیرد (جولینا^۲ و همکاران، ۲۰۲۱).

مدیران در هنگام تصمیم‌گیری تحت تأثیر دانش نهفته خود می‌باشند که به آن دانش ضمنی می‌گویند که از سوی دیگر مدیران در جهت بهره‌مندی از مزایای شخصی تمایل به مدیریت سود دارند ولی نهادهای نظارتی مانند حسابرسی داخلی می‌تواند منجر به تعدیل این رفتار گردد که ادبیات موجود درباره دانش ضمنی و تحقیقات تجربی در این حوزه نشان می‌دهد که مدیران با تجربه در استفاده از اقلام تعهدی و واقعی برای مدیریت سود، واکنش راهبردی‌تری به مساله نظارت دارند که مدیران دارای دانش ضمنی، در تصمیم‌گیری‌ها نقش مستقیم و نهایی ایفا می‌کند؛ از این رو، توانایی بیشتری برای مدیریت سود دارد. از سویی دیگر، کشف مدیریت سود توسط حسابرسان و احتمال دخالت مراجع قانونی می‌تواند مبلغ مدیریت شود و منافع آن را برای مدیریت به شدت کاهش دهد که با فرض معقول بودن مدیر، می‌توان انتظار داشت که وی تنها زمانی به مدیریت سود اقدام کند که منافع آن بیشتر از هزینه‌ها باشند (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۹).

شناسایی منافع و خطرات مدیریت سود از منظر مدیران و طریقه موازنه بین این دو، در موقعیت‌های مختلف، راه را برای کشف مدیریت سود و جلوگیری از آن هموار می‌سازد و این عمل با شناسایی چگونگی فراگیری تلویحی مدیریت سود توسط مدیران و بررسی نقش تجربه در انجام راهبردی آن، تسهیل می‌گردد. با توجه به توضیحات فوق، ضرورت می‌باید، از یک سو با توجه به وجود پدیده رفتار مدیریت سود در بازار سرمایه کشور و از سویی دیگر وجود خلأ مطالعاتی مبنی بر نقش برخی عوامل محیطی و همچنین دانش ضمنی مدیران در رفتار مدیریت سود، به این مسئله پاسخ داده شود که مدیران از چه الگوی رفتاری مدیریت سود مبتنی بر عوامل محیطی و دانش ضمنی مدیران در بازار سرمایه کشور تبعیت می‌نمایند؟ از این رو، این پژوهش اقدام به ارائه لگوی رفتاری مدیریت سود مبتنی بر

¹. Huang & sun

². Juliana

عوامل محیطی و دانش ضمنی مدیران نموده است و این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که الگوی رفتاری مدیریت سود مبتنی بر عوامل محیطی و دانش ضمنی مدیران در بازار سرمایه ایران چیست؟ به منظور پاسخ به این سؤال از رویکرد زمینه بنیان^۱ چند وجهی بهره گرفته شده است.

بنابراین نتایج این مطالعه می تواند جهت توانمند سازی عملکرد شرکت ها برای محافظت از حقوق سهامداران و سایر ذینفعان مورد استفاده قرار گیرد که فعالان بازار سرمایه، تصمیم گیرندگان، تحلیلگران مالی و سرمایه گذاران بالقوه و بالفعل بورس اوراق بهادار در صورتی که رفتارهای مدیریت در دستکاری سود شرکت را در مدل های پیش بینی و تصمیم گیری های خود لحاظ کنند، قادر خواهند بود پیش بینی های دقیق تری انجام داده و پیرو آن تصمیمات بهینه ای اتخاذ کنند. پژوهش حاضر با دید متفاوتی و با تاکید بر سازه های محیطی و دانشی مدیران جهت ارائه الگوی رفتار مدیریت سود اقدام نموده است.

این پژوهش با طرح مبانی نظری و پیشینه پژوهش های مرتبط با موضوع و همچنین تبیین روش پژوهش و سوال برگرفته از مسئله و مبانی نظری پژوهش ادامه یافته و سپس به تشریح نتایج آزمون سوالات پرداخته است؛ و در نهایت نتیجه گیری و پیشنهادها بیان می گردد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

گزارش های مالی به ویژه سود خالص یکی از مهمترین محصولات سیستم حسابداری است و هدف اصلی تدوین گزارش های مالی تهیه اطلاعاتی است که برای سرمایه گذاران و سایر افراد ذینفع در جهت انجام سرمایه گذاری منطقی، اعتباردهی مفید باشد که اما در طول چند دهه گذشته نتایج پژوهش ها بیانگر کاهش مستمر در محتوی اطلاعاتی سود حسابداری بوده است و از آنجایی که محاسبه سود خالص یک بنگاه اقتصادی تحت تاثیر روش ها و برآوردهای حسابداری است و بر طبق نظریه نمایندگی اهداف مدیریت نیز با سهامداران هماهنگ نیست، امکان دستکاری سود وجود دارد که این کار با نزدیک کردن سود گزارش شده به میزان سود هدف (آستانه) انجام می شود (حبیب^۲ و همکاران، ۲۰۱۳). مسئله نمایندگی موجب شده است در بسیاری از شرکت ها طرح های پاداش انجام شود تا منجر به کاهش تضاد منافع شود که همچنین وی بیان کرده است که مدیران برای رسیدن به منافع خود سودها را مدیریت می کنند که وی بیان می کند، با توجه به اینکه اندازه گیری وجوه نقد عملیاتی آسان است مدیران برای مدیریت کردن سود از ارقام تعهدی اختیاری استفاده می کنند تا بتوانند به سودهای مطلوب دست یابند (آکتاس و همکاران^۳، ۲۰۱۹). واتز و زیمرمن^۴ (۱۹۸۶) نیز بیان داشته اند در شرکتهایی که برنامه پاداش مدیران انجام می شود، مدیران سعی خواهند نمود سودهای دوره های آتی را به دوره جاری منتقل کنند و از این رو سودها را دستکاری می کنند که بنابراین برای حمایت از حقوق سهامداران و سایر اشخاص ذینفع و همچنین کنترل رفتارهای فرصت طلبانه مدیران، باید بر رفتارهای مدیران نظارت وجود داشته باشد که به همین دلیل در این پژوهش نقش نظارت بر ارقام تعهدی اختیاری و پاداش ویژه مدیران به عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار خواهند گرفت و نظریه الگو ذهنی جهت پیش بینی

¹. Ground theory

². Habib

³. Aktas

⁴. Watts & Zimmerman

و توجیه علت وزن دهی های تصمیم گیرندگان مورد استفاده قرار می گیرد که از پیش بینی های نظریه نمایندگی متفاوت می باشد (واتز و زیمرمن، ۱۹۸۶).

تا کنون در ایران تحقیقات بسیار زیادی در مورد مدیریت سود و انگیزه های مدیران در این رابطه و اقدامات نظارتی در ارتباط با پیشگیری یا کشف آن انجام شده است اما اینگونه پژوهش ها برای جلوگیری از مدیریت سود چندان موفقیت آمیز نبوده است، شاید دلیل این عدم موفقیت نا آشنایی با طریقه های فراگیری و بکارگیری روش های مدیریت سود توسط مدیران در واقعیت باشد یا اینکه بتوان گفت تحقیقات اثباتی بدلیل اینکه بیشتر از نوع تحقیقات آرشیوی هستند و بر اساس اطلاعات تهیه شده گذشته نتیجه گیری می نمایند نمی تواند جوابگوی سوالات ما باشد که بنابراین در این مطالعه با استفاده از رویکرد زمینه بنیان و با تاکید بر دانش ضمنی مدیران و سازه های محیطی دخیل در این پدیده بهره مند شده است.

از یک سو؛ فعالیت های مدیریت دانش ابتدا در بخش های سیستم های اطلاعاتی سازمان ها متمرکز بود، اما با مدنظر قرار گرفتن مهارت و خبرگی کارکنان، کم کم توجه به سوی واحدهایی دیگر بخصوص مدیران سطوح عالی معطوف شد که در اقتصاد امروز، رقابت بسیار شدیدی بین مدیران وجود دارد که تمرکز این رقابت از منابع محسوس و فیزیکی به منابع دانشی و غیرمحسوس تغییر کرده است (چپمن^۱ و همکاران، ۲۰۱۱). امروزه به موازات درک سازمان ها از این نکته که رقابت پذیری بر پایه مدیریت موثر دانش استوار است، این علم در حال تبدیل شدن به فعالیت لاینفک کسب و کار سازمان ها می باشد که یکی از دغدغه های اصلی درخصوص مدیریت دانش، چگونگی اجرای آن است و بسیاری از شرکت ها و سازمان هایی که در حال تلاش برای آغاز مدیریت دانش هستند درخصوص تعیین بهترین رویکرد به منظور پذیرش آن اذاطمینان کافی برخوردار نیستند که بررسی های انجام شده مشخص می کند که برخورداری از رویکرد ترکیبی که دربرگیرنده عوامل اجتماعی و تکنولوژیک باشد ایده آل است و بنابراین آگاهی سازمان ها از عوامل اصلی مدیریت دانش که پذیرش و اجرای آن را با موفقیت همراه می سازد، موجب هموار شدن مسیر پیش روی آنان خواهد شد (اسدی و کرمی، ۱۳۹۹).

از سویی دیگر؛ یکی از عواملی که می تواند باعث متفاوت بودن واکنش بازار به مدیریت سود شود، عوامل محیطی است. عوامل محیطی در قالب عدم اطمینان محیطی به عنوان نرخ تغییرپذیری در محیط خارجی سازمانها، که شامل مشتریان عمده، رقبا، قوانین دولتی، و اتحادیه های کارگری ها تعریف شده است (جیب^۲ و همکاران، ۲۰۱۱). عدم اطمینان محیطی بالا، ریسک تخمین دقیق سودهای آتی توسط سهامداران را افزایش می دهد و آن را به یک موضوع بغرنج برای آنها تبدیل می کند که در صورتی که مدیریت اقدام مناسب را برای کاهش این نوسان پذیری انجام ندهد، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سهامداران حادثتر می شود که عدم اطمینان محیطی، محدودیتهای جدی برای شرکت ایجاد می کند و بر استراتژی و تصمیمات مدیران در شرکت موثر است و در این شرایطی مدیران فرصت های استراتژیکی برای مقابله با این شرایط خواهند داشت و یکی از این فرصت ها، مدیریت سود است (بی و ویجواردانا^۳، ۲۰۱۲).

¹. Chapman

². Habib

³. Bei & Wijewardana

نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان دادند که در یک محیط با عدم اطمینان بالا، تشخیص مدیریت سود توسط سهامداران را با دشواری مواجه می‌کند (لیم^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). زیرا، گزارشگری مالی و سنجش عملکرد در شرکت‌هایی که عملیات تجاری متغیر و پر نوسانی دارند، پیچیده‌تر است و لذا، انتظار می‌رود سودهایی که در این پیچیدگی محیطی مدیریت می‌شوند توسط بازار سرمایه شناسایی نشود که ریسک‌هایی که مؤسسات و شرکت‌ها متقبل می‌شوند بایستی با موازنه‌ها و کنترل‌های مناسب همخوانی داشته باشند. بنابراین الزام است کنترل‌های داخلی کارآمد، مدیریت ریسک، حسابرسی برون‌سازمانی و شفافیت وجود داشته باشد و تمام ابزارهای حاکمیت شرکتی به‌درستی به کار گرفته شوند (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۵).

زاگیرس^۲ (۲۰۱۵) در مطالعه خود با عنوان اهرم مالی و مدیریت سود از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش داده‌های ترکیبی استفاده کردند، نتایج نشان داد در شرایطی که شرکت‌ها دارای سطح اهرم مالی بالا باشند، تأثیر اهرم مالی بر هریک از معیارهای مدیریت سود واقعی و همچنین بر برآیند معیارهای آن معکوس و معنادار بوده. از طرفی در شرکت‌های دارای اهرم مالی پایین، تأثیر اهرم مالی هم بر برآیند معیارهای مدیریت سود واقعی و هم بر هریک از معیارهای جداگانه آن به‌استثنای زمانی که معیار مدیریت سود واقعی جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی بود، نشان از اثری معکوس و معنادار داشت. اویکانل^۳ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی کیفیت حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در کشور اردن پرداخته‌اند که پژوهش حاضر باهدف جنبه‌های پیامدهای اقتصادی جایگاه حاکمیت شرکتی به بررسی ارتباط بین برخی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت واقعی سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و اوراق بهادار می‌پردازد که یافته‌های پژوهش نشان که بین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود ارتباط معکوس وجود دارد که بدین معنی با افزایش مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی میزان دست‌کاری در فعالیت‌های واقعی کاهش می‌یابد. هوای چون و همکاران^۴ (۲۰۱۷) در مطالعه خود با عنوان مدیریت سود و عملکرد پس از عرضه اولیه عمومی به این سؤال پاسخ می‌دهند که آیا سرمایه‌گذاران نهادی باعث تقویت یا کاهش مشکلات سازمان می‌شوند؟ این مطالعه نشان داد که شرکت‌هایی که دارای مالکیت بالای مؤسسات هستند، بازده سهام و عملکرد عملیات بعد از عرضه اولیه عمومی را بالاتر می‌برند، به این ترتیب نشان می‌دهد که بازار سرمایه به عملکرد نظارتی سرمایه‌گذاران نهادی پس از عرضه اولیه و عملکرد این شرکت‌ها بهبود یافته است و نتایج نشان‌دهنده کنترل سرمایه‌گذاران نهادی و شناسایی بیشتر سرمایه‌گذاران نهادی است، برای بهبود عملکرد می‌باشد. کریستیان و اینست^۵ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان هزینه‌های سیاسی و مدیریت سود به این نتیجه دست یافتند که با افزایش هزینه‌های سیاسی، میزان مدیریت سود شرکت‌ها نیز افزایش می‌یابد.

وست و فیلسچمن^۶ (۲۰۲۳) در پژوهشی به نقش سازه‌های اخلاقی بر رفتار مدیریت سود پرداخته و به این نتیجه دست یافته‌اند که به مدیران مالی که بدبینی و سوظن بالایی دارند، بی تفاوتی اخلاقی بالایی دارند و این موضوع باعث می‌شود تا آن‌ها درگیر فعالیت‌های مدیریت سود می‌شوند. در حالی که مدیران مالی بی تفاوتی اخلاقی در آن پایین

¹. Lim

². Zagers

³. Oyekunle

⁴. Huai-Chun

⁵. Cristina & Ines

⁶. West & Fleischman

است، وجدان اخلاقی در آن‌ها بالا است و سود شرکت را کمتر بیش‌نمایی می‌کنند.

ملازاده و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی نقش دانش مالی هیات مدیره بر مدیریت سود پرداخته‌اند که هدف مقاله بررسی دانش مالی مدیر عامل بر روی مدیریت سود و بررسی تفاوت مدیریت سود در شرکت‌های دارای مدیر عامل با دانش مالی و سایر شرکت‌ها است و جهت انجام پژوهش، مدیریت سود را بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری و مدیریت سود واقعی را به صورت جداگانه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اندازه‌گیری شد که نوع مدرک تحصیلی نیز معیاری برای اندازه‌گیری دانش مالی مدیر عامل در نظر گرفته شده است و برای تحلیل داده‌ها نیز از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است و نتایج نشان داده است که دانش مالی مدیر عامل بر روی مدیریت سود شرکت تاثیر ندارد. هاشمی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تاثیر سبک‌های تصمیم‌گیری بر گزارشگری متقلبانه پرداخته و نتایج پژوهش نشان داد سبک‌های تصمیم‌گیری (وابستگی، عقلانی، آنی و اجتنابی) بر گزارشگری متقلبانه تاثیر معنی داری دارد که از اینرو تاثیر مولفه سبک شهودی تصمیم‌گیری بر گزارشگری متقلبانه مشاهده نگردید. رحمانیان کوشکی و نویدی (۱۴۰۰) به بررسی رابطه بین صورتهای مالی متقلبانه و کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر اثربخشی تجربه و نفوذ مدیران در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است و یافته‌های پژوهش نشان دادند که بین تقلب در صورتهای مالی و کیفیت گزارشگری مالی را رابطه معکوس و معنادار وجود دارد، بین تجربه مدیران بر رابطه بین صورتهای مالی متقلبانه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیری ندارد، همچنین، نفوذ مدیران بر رابطه بین صورتهای مالی متقلبانه و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنادار دارد که لذا نتیجه می‌شود که مدیران با نفوذ، با کنترل عوامل تقلب و مدیریت سود در صورتهای مالی، قادرند کیفیت گزارشهای مالی خود را افزایش یا کاهش دهند. بنی مهد و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه ای به بررسی رابطه میان وجدان اخلاقی و تمایل به بیش‌نمایی سود (آزمون نظریه مدیریت سود کارا و فرصت طلبانه) پرداخته و به این نتیجه دست یافته‌اند که وجدان اخلاقی رابطه معنی داری و منفی با مدیریت سود کارا و فرصت طلبانه دارد. بنابراین، وجدان اخلاقی موجب کاهش رفتارهای مدیریت شرکت در بیش‌نمایی سود می‌شود.

پرسش‌های پژوهش

با توجه به اینکه این پژوهش به روش کیفی انجام شده است، لذا این رویکرد که منجر به استفاده از نظریه داده بنیاد شده است، فرضیه‌ای وجود ندارد و از آنجا که مطالعه حاضر به دنبال ارائه الگوی رفتاری مدیریت سود با تأکید برو عوامل محیطی و دانشی مدیران در قلمرو مدیریت سود می‌باشد، ابتدا به دنبال یافتن مؤلفه‌های مناسب برای تبیین الگوی مورد نظر است که در این راستا سوالات زیر را مطرح شده است:

سوال ۱: مؤلفه‌های مناسب برای رفتار مدیریت سود تأکید برو عوامل محیطی و دانشی مدیران شامل چه مواردی می‌باشند؟

سوال ۲: الگوی پیشنهادی رفتار مدیریت سود با تأکید بر تأکید برو عوامل محیطی و دانشی مدیران چیست؟

سوال ۳: شرایط علی چه هستند؟ شرایط زمینه‌ای در شکل‌گیری رفتار مدیریت سود کدامند؟ مؤلفه‌های مداخله‌گر

کدامند؟ راهبردهای رفتار مدیریت سود کدامند؟ پیامدهای رفتار مدیریت سود چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر، طراحی الگوی رفتاری مدیریت سود با تاکید بر عوامل محیطی و دانشی مدیران در قلمرو مدیریت سود از نظر خبرگان به روش نظریه پردازی زمینه بنیان است. در نتیجه از منظر بعد زمانی، مقطعی است؛ زیرا مصاحبه‌ها در سال ۱۴۰۰ انجام شده‌اند. از منظر هدف، به دلایل پیش رو از نوع اکتشافی است. پژوهشی با موضوع طراحی الگوی رفتاری مدیریت سود در قلمرو مدیریت سود، با روش این پژوهش (نظریه پردازی زمینه بنیان) در داخل کشور انجام نشده است؛ نتایج این پژوهش به ارائه یک نظریه منتج می‌شود و یافته‌های این پژوهش دانش موجود در زمینه شناسایی عوامل محیطی و دانشی مدیران اثرگذار بر رفتار مدیریت سود را توسعه می‌دهد. شکل ۱ مراحل انجام تحقیق بر اساس نظریه زمینه بنیان را نشان می‌دهد. این پژوهش، از منظر فرایند اجرا (نوع داده‌ها)، از نوع کیفی است؛ زیرا در این روش پژوهش، بخش اول (داده‌ها)، از منابع مختلفی مانند مصاحبه، مشاهده و مشارکت گردآوری می‌شود که در این پژوهش نیز داده‌ها با مصاحبه و پرسشنامه جمع‌آوری شده‌اند. همچنین در روش پژوهش کیفی، بخش دوم شامل روش‌های تحلیلی و تعبیر و تفسیری است که برای رسیدن به یافته‌ها یا نظریه‌ها به کار می‌رود. این روش‌ها شامل شیوه‌های مفهوم‌پردازی از داده‌ها است که به کدگذاری مرسوم است. در این پژوهش نیز از روش‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است. بخش سوم روش پژوهش کیفی، عبارت است از گزارش‌های نوشته‌شده یا ترسیم نمودارها و شکل‌ها با ارائه شفاهی که در این پژوهش از روش نموداری استفاده شده است. همچنین در این پژوهش از منظر نتیجه اجرا از نوع بنیادی است که باهدف کشف ماهیت پدیده‌ها انجام می‌شود. از منظر منطق اجرا (یا نوع استدلال) از نوع استقرایی است؛ زیرا در این پژوهش مصاحبه‌شوندگان با توجه به تجربه‌های خود درباره نتایج پدیده‌ها توضیحات خود را ارائه می‌کنند.



شکل ۱. مراحل انجام تحقیق بر اساس نظریه زمینه بنیان

در این پژوهش از گروه‌های کانونی قبل از انجام پژوهش، مصاحبه‌های زمینه‌ای صورت می‌پذیرد. برای این منظور از تعدادی متخصصین در حوزه مدیریت سود و خبرگان مصاحبه به‌عمل‌آمده و بینش‌های به‌دست‌آمده حاصل این مصاحبه اولیه به‌منظور توسعه و بهبود رهنمود مصاحبه، استفاده می‌گردد. بعد از انجام مصاحبه گروه‌های کانونی، رهنمود مصاحبه تهیه گردیده تا نسبت به دستیابی:

(الف) یکنواختی و پوشش پرسش‌های پژوهش (موضوعات موردپژوهش)؛

(ب) کاهش سوگیری‌های محقق نسبت به مسائل از پیش پنداشته و

(ج) طرح پرسش‌های کلیدی به‌منظور کاویدن تجارب مشارکت‌کنندگان، اطمینان حاصل گردد.

رهنمود مصاحبه در اختیار چند تن از صاحب‌نظران دانشگاهی و حرفه قرار گرفته و نظرات ایشان اخذ و اصلاحات نهایی به وجود آمده است. مصاحبه‌ها نیمه ساختاریافته و در اغلب موارد مصاحبه‌شونده برای پاسخ‌های باز و مستقل ترغیب می‌گردد. در مصاحبه نیمه ساختاریافته سؤال‌ها از قبل طراحی و هدف کسب اطلاعات عمیق از مصاحبه‌شونده هست بوده و در هر پاسخ ممکن است با سؤال‌های دیگر موردبررسی بیشتر قرار گیرد.

هدف پژوهش حاضر این است که عوامل محیطی و دانشی مؤثر بر رفتار مدیریت سود از دیدگاه گروه‌های مختلف که چهار گروه عمده درگیر با آن (شرکای مؤسسات حسابرسی و حسابداران رسمی، مدیران نهادهای نظارتی، مدیران مالی شرکت‌های سهامی عام و حساب‌برسان داخلی و اعضای هیات علمی دانشگاه) می‌باشد. این چهار گروه عمده بر اساس زنجیره رفتاری مدیریت سود انتخاب شده‌اند. درواقع این زنجیره به افراد و فرایندهایی اشاره دارد که در رفتار مدیریت سود و نظارت بر آن می‌توانند نقش داشته باشند. در این زنجیره همه اجزا باید دارای ارتباطی نزدیک باشند تا به تصمیم‌گیری مطلوب گزارشگری مالی بیانجامد. درواقع در پژوهش حاضر مبنای ارائه الگوی رفتاری مدیریت سود با تاکید بر عوامل محیطی و دانشی مصاحبه از خبرگان حرفه‌های مورد اشاره بر طبق نوعی از پژوهش کیفی به نام نظریه‌پردازی زمینه بنیان و الگوی جامع حاصل از آن می‌باشد. به نظر می‌رسد انجام تحقیقی در ایران به‌منظور کشف و شناسایی عوامل و سازوکارهای بیرونی حاکم بر مقوله اصلی از دید گروه‌های مختلف با استفاده از تئوری زمینه‌بنیان می‌تواند علاوه بر گشایش چشم‌انداز جدید در مورد تحقیقات مربوط به زمینه پژوهش، زمینه لازم برای ارتقاء تصمیم‌گیری کلیه ذینفعان را فراهم سازد. با توجه به مطالب عنوان‌شده، پرسش اصلی که این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ برای آن می‌باشد، این است که الگوی رفتاری مدیریت سود با تاکید بر عوامل محیطی و دانشی از دیدگاه گروه‌های مختلف کدام است؟

یافته‌های پژوهش

اجرای نظریه‌پردازی زمینه بنیان به‌طورکلی در دو گام اساسی به شرح زیر انجام می‌شود:

گام اول: گردآوری داده‌ها: داده‌های اولیه این پژوهش از منبع مصاحبه ساختاریافته با خبرگان و با رویکرد اکتشافی با استفاده از ۳ سؤال کلی و باز زیر جمع‌آوری شده است؛

گام دوم: کدگذاری متن و نظریه‌پردازی: فرایند کدگذاری شامل سه سطح (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی) است؛

در مرحله اول کدگذاری، داده‌ها به بخش مجزا خرد می‌شوند و برای به دست آوردن مشابهت‌ها و تفاوت‌هایشان بررسی می‌شوند. سپس این مفاهیم بر اساس مشابهت‌هایشان طبقه‌بندی می‌شوند که به این کار مقوله پردازی گفته می‌شود که مقوله، مفهومی است و از سایر مفاهیم انتزاعی‌تر است و بنای نظریه از آن‌ها تشکیل می‌شود. در پایان این مرحله، مقوله‌ها برحسب شرایط به شرط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها تقسیم می‌شوند. مقوله اصلی در این پژوهش رفتار مدیریت سود است. در این پژوهش مدل ایجادشده با استفاده از نمودار و روایت ارائه می‌شود. نمونه‌ها در نظریه پردازی زمینه بنیان، عموماً به صورت هدفمند و به روش گلوله برفی انتخاب می‌شوند. نمونه‌گیری گلوله برفی یا زنجیره‌ای، یعنی انتخاب شرکت‌کنندگانی که به نحوی با یکدیگر پیوند دارند و پژوهشگر را به دیگر افراد همان جامع راهنمایی می‌کنند. به بیان دیگر، در مصاحبه، ابتدا تعدادی از اشخاص صاحب‌نظر و دارای تحصیلات و تجربه کافی مرتبط با موضوع پژوهش انتخاب شدند و در پایان مصاحبه از آن‌ها خواسته شد سایر افراد مطلع و صاحب‌نظر در خصوص موضوع پژوهش را معرفی کنند. بر اساس این، تعداد ۱۲ مصاحبه انجام شدند و نمونه‌گیری به اشباع نظری رسید و مصاحبه جدیدی صورت نگرفت. منظور از اشباع نظری، یعنی با انجام آخرین مصاحبه هیچ مفهوم و مقوله جدیدی شکل نگیرد و مصاحبه‌های انجام‌شده برای شروع تحلیل آماری کفایت می‌کند. برای سنجش روایی و پایایی پژوهش، قبل از شروع مصاحبه‌ها، پس از مصاحبه با ۴ نفر از خبرگان و اخذ نظرات آن‌ها، رهنمود مصاحبه تهیه شد و مصاحبه‌ها حول رهنمود مصاحبه صورت گرفت. با افزایش تعداد مصاحبه‌ها، رهنمود مصاحبه‌ها نیز گسترش یافت. روش‌شناسی و انتخاب این افراد بدین شکل است که کل مصاحبه‌ها با اجازه مصاحبه‌شوندگان ضبط شدند و پژوهشگران هر مصاحبه را چندین بار بررسی کردند. به منظور اعتبار یافته‌ها، نتایج تحلیل و کدگذاری برخی از مصاحبه‌ها در اختیار ۳ نفر از مشارکت‌کنندگان در پژوهش و ۳ نفر خارج از مشارکت‌کنندگان قرار گرفت. از این رو، خبرگان عموماً مدل استخراج‌شده را معتبر تلقی کردند. هدف این پژوهش، طراحی الگوی رفتاری مدیریت سود مبتنی بر عوامل محیطی و دانشی است. در جدول ۱ مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان گزارش شده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی پاسخ‌دهندگان

گروه	تعداد	تحصیلات	
		دکتر	کارشناسی ارشد
شرکای مؤسسات حسابرسی و حسابداران رسمی	۶	۵	۱
مدیران سازمان حسابرسی	۱	۱	
مدیران مالی شرکت‌های سهامی عام و حسابرسان داخلی	۲	۱	۱
اعضای هیات علمی دانشگاه	۳	۳	
مجموع	۱۲	۱۰	۲

در این پژوهش در مجموع تعداد ۶۵ مفهوم در قالب مقوله فرعی از مصاحبه‌ها استخراج شد. شرح کامل این مقوله‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. مقوله‌ها و مفاهیم

نوع مقوله	مقوله	مفاهیم
علی	عوامل محیطی	محیط نهادی
		عدم اطمینان محیطی
		واکنش بازار
		فرصت‌های استراتژیکی
		پیچیدگی محیط
		فضاوت‌های شخصی
		دانش فنی حسابداری
		دانش فنی مالیاتی
		دانش فنی مدیریتی
		دانش فنی حسابرسی
		تجارب خاص حسابداری
		تجارب خاص مالیاتی
		تجارب خاص مدیریتی
		تجارب خاص حسابرسی
زمینه‌ای	ویژگی‌های اخلاقی	دانش ضمنی و تجربه مدیران
		پردازش ذهنی
		یادگیری
		ویژگی‌های فردی
		سبک‌های تفکر
		دانش ضمنی
		رفتار غیراخلاقی
		ضوابط رفتاری و اخلاقی
		پایبندی به اصول اخلاقی
		فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی
		رکود اخلاقی
		موازن اخلاقی
		عقاید دینی
		اخلاقیات دینی
		احکام دینی
		ویژگی‌های شخصیتی
		توجیه
		ادراک اخلاقی
		رهبری اخلاق

نظارت بر قضاوت‌های شخصی		
اطلاعات پایدار و نظارت شده		
نظارت بر سود منعکس شده		
تعدیل تضاد منافع		
اعتباردهی به اطلاعات		
کیفیت حسابرسی		
صورتهای مالی حسابرسی شده		
مکانیزم‌های نظارتی		
نظارت بر قضاوت مدیران		
کمیت‌های حسابرسی	نظارت و حسابرسی	مداخله گر
ارزیابی عملکرد		
نظارت بر ارقام تعهدی		
کنترل‌های داخلی		
نظارت بر منافع شخصی مدیران		
اطمینان منطقی به ذینفعان		
محدودیت در رفتارهای فرصت طلبانه		
کنترل انگیزه‌های مدیران		
رعایت استانداردهای حسابداری		
نظارت بر وقوع اشتباه و تقلب		
رفتار فرصت طلبانه		
گزارشگری متقابلانه		
رفتار کارا		
مدیریت زمان مجامع		
مدیریت رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه	رفتار مدیریت سود	راهبردها
مدیریت سود ارقام تعهدی		
مدیریت سود ارقام واقعی		
مدیریت سود ارقام درآمدی		
کاهش اعتماد اجتماعی		
کاهش سلامت اقتصادی کشور		
کاهش سلامت صنعت	در سطح کلان	پیامدها
عدم کارایی بازار سرمایه		
عدم رشد و توسعه بازار سرمایه		

جدول ۳ کدگذاری الگویی-معادل کدگذاری محوری را نشان می‌دهد. سومین مرحله کدگذاری در روش داده بنیاد کدگذاری انتخابی است. این روش عبارتست از فراگرد انتخاب دسته‌بندی اصلی، مرتبط کردن سیستماتیک آن با دیگر دسته‌بندی‌ها، تأیید اعتبار این روابط و تکمیل دسته‌بندی‌هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتری دارند (دانایی فر و امامی، ۱۳۹۲).

جدول ۳. کدگذاری الگوی - معادل کدگذاری محوری

نوع مقوله	مقوله‌های فرعی
شرایط علی	عوامل محیطی و دانش ضمنی و تجربه مدیران
شرایط مداخله گر	ویژگی‌های اخلاقی
شرایط زمینه‌ای	نظارت و حسابرسی
راهبردها	رفتار مدیریت سود و روش‌های مدیریت سود
پیامدها	در سطح شرکت و در سطح کلان

از این رو در این مرحله خلق نظریه یا تلخیص نظری مد نظر است. این مرحله کدگذاری انتخابی در گراند تئوری است. اگرچه در کدگذاری محوری مقوله‌ها به صورت نظام مند بهبود یافتند و با زیر مقوله‌ها پیوند داده شدند؛ با این حال این مقوله می‌بایست که برای تشکیل یک آرایش نظری بزرگ‌تر یکپارچه می‌شدند؛ بنابراین در مرحله کدگذاری انتخابی فرآیند یکپارچه سازی و بهبود مقوله‌ها صورت گرفت؛ از این رو، داده‌های خام مصاحبه‌های پژوهش حاضر پس از کدگذاری و دسته بندی در قالب مفاهیم و مقوله‌ها، به استخراج یک مقوله هسته‌ای یا پدیده اصلی پژوهش یعنی رفتار مدیریت سود، بر اساس تأکید گسترده‌ای که مصاحبه شوندگان به این مضمون داشتند، منتهی شد. شکل ۲.

الگوی تجویزی رفتار مدیریت سود را نشان می‌دهد.



شکل ۲. الگوی تجویزی رفتار مدیریت سود

برای اعتباریابی کیفی الگو از روش دلفی استفاده شده است. هدف از این گام، ارزیابی و پالایش فهرست مقوله‌های اصلی و فرعی با استفاده از یکی از روش‌های توافق جمعی مانند روش دلفی، فیش بول و تل استار است. روش انتخابی برای این پژوهش، روش دلفی است. روش دلفی به عنوان یک روش تجربی معتبر برای دستیابی به توافق جمعی، هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که اطلاعات مورد نیاز انتزاعی (ذهنی) بوده و امکان حضور شرکت‌کنندگان در یک مکان برای تشکیل جلسه وجود نداشته باشد. در این پژوهش در دور اول، فهرست مقوله‌ها زیرمقوله‌ها و مفاهیم در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفت تا در مورد آنها اظهار نظر نمایند. در دور دوم، مجموعه عوامل گردآوری شده در اختیار خبرگان گروه دوم قرار گرفت. در نهایت، زیر مقوله‌ها و مفاهیمی که میانگین بالاتری را از نظر خبرگان کسب کرده‌اند، انتخاب شدند. در این پژوهش، در روش دلفی، شرکت‌کنندگان به تعداد ۱۵ نفر از خبرگان و اساتید دانشگاه بوده و پرسشنامه مورد نظر به صورت ارسال از طریق ایمیل در اختیارشان قرار گرفته است. در دور اول، فهرست مولفه‌ها، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای، راهبردها و پیامدهای رفتار مدیریت سود در اختیار این افراد قرار گرفت تا در مورد آنها در قالب طیف لیکرت، اظهار نظر نمایند. همچنین از آنها خواسته شد که نظرات خود را در قالب پیشنهاد یا اصلاح، به مجموعه اضافه نمایند. در مرحله اول، چند مفهوم ادغام شد و برخی موارد اصلاح گردید. یافته‌های مرحله دوم حاکی از آن بود که خبرگان به اتفاق نظر رسیدند. بنابراین برای تعیین معنی‌داری مقوله‌های استخراج شده با استفاده از پرسشنامه از آزمون دوجمله‌ای در سطح (۰/۵) بهره گرفته شد. به منظور استفاده از این آزمون باید مقادیر داده‌ها را به دو گروه طبقه‌بندی کرد. لذا پاسخ‌های خیلی کم، کم و بدون نظر در گروه اول و پاسخ‌های زیاد و خیلی زیاد در گروه دوم قرار گرفتند.

جدول ۴. گزاره‌های مفهومی مرتبط با مقوله‌های اصلی

عنوان مقوله	احتمال مشاهده شده		Sig
	33	>3	
عوامل محیطی و دانش ضمنی و تجربه مدیران	۰/۲۰	۰/۸۰	۰/۰۳۰
ویژگی‌های اخلاقی	۰/۱۳	۰/۸۷	۰/۰۰۰
نظارت و حسابرسی	۰/۲۰	۰/۸۰	۰/۰۵۰
رفتار مدیریت سود و روش‌های مدیریت سود	۰/۱۳	۰/۸۷	۰/۰۰۷
در سطح شرکت و در سطح کلان	۰/۲۰	۰/۸۰	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج آزمون دوجمله‌ای در جدول ۴، تمامی مقوله‌ها در سطح ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین ابعاد بالا به عنوان مولفه‌های مولفه‌های رفتار مدیریت سود در نظر گرفته شدند.

از سویی دیگر؛ پس از خلق نظریه، شفاف سازی داده‌ها به روش دیگری نیز ضروری است و در خصوص اعتبار داده‌های تجربی به صورت شفاف مبتنی بر نتایج استقرایی است و از آنجایی که الگوی نهایی هم با داده‌های تجربی و هم با ادبیات پژوهش سازگاری دارند که بنابراین از انسجام نظری برخوردار می‌باشند که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد در چه حوزه‌هایی نیازمند تمرکز و توجه بیشتر به منظور کاهش رفتار مدیریت سود مبتنی بر عوامل محیطی و دانش ضمنی مدیران است.

جدول ۵. اعتباردهی و شفاف سازی مقوله‌ها

نوع مقوله	مقوله اصلی	ادبیات تجربی
علی	عوامل محیطی و دانش ضمنی و تجربه مدیران	نقش دانش ضمنی مدیران در رفتار مدیریت سود (راسمن ^۱ و همکاران، ۲۰۱۲) ارتباط عوامل محیطی و فرهنگی با مدیریت سود (لی و همکاران، ۲۰۱۳) ارتباط هنجارها و ارزش‌های اجتماعی ناشی از مذهب با مدیریت سود (مک کیر و همکاران، ۲۰۱۲)
مداخله گر	ویژگی‌های اخلاقی	رابطه اخلاق با رفتار مدیریت سود (معین الدین و همکاران، ۱۳۹۴).
زمینه‌ای	نظارت و حسابرسی	نقش کیفیت حسابرسی و فرهنگ بر مدیریت سود (آستامی ^۲ و همکاران، ۲۰۱۷) مدیریت سود و کمیته حسابرسی (رینا ^۳ و همکاران، ۲۰۰۹).
راهبردها	رفتار مدیریت سود و روش‌های مدیریت سود	رفتار مدیریت سود (اسدی و کرمی، ۱۳۹۹) مدیریت سود واقعی (کوتاری، ۲۰۱۶) مدیریت سود تعهدی (کوهن ^۴ و همکاران، ۲۰۱۰) مدیریت افشاء اطلاعات (نازلی ^۵ و همکاران، ۲۰۰۶)
پیامدها	در سطح شرکت و در سطح کلان	درماندگی مالی و مدیریت سود (میکو ^۶ ، ۲۰۱۵)

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش طراحی الگوی رفتاری مدیریت سود مبتنی بر عوامل محیطی و دانش ضمنی مدیران (شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای؛ راهبردها و پیامدها) است و با بررسی متن مصاحبه‌ها و نتیجه‌های به دست آمده از روش مقایسه مداوم مقوله‌های اصلی در این بخش شامل محیط نهادی، عدم اطمینان محیطی، واکنش بازار، فرصت‌های استراتژیکی، پیچیدگی محیط، فضاوت‌های شخصی، دانش فنی حسابداری، دانش فنی مالیاتی، دانش فنی مدیریتی، دانش فنی حسابرسی، تجارب خاص حسابداری، تجارب خاص مالیاتی، تجارب خاص مدیریتی، تجارب خاص حسابرسی، پردازش ذهنی، یادگیری، ویژگی‌های فردی، سبک‌های تفکر و دانش ضمنی می‌باشد. پس از بررسی شرایط علی مؤثر بر رفتار مدیریت سود مبتنی بر عوامل محیطی و دانش ضمنی مدیران از منظر خبرگان حوزه مدیریت سود، توجه به راهبردها و کنش و واکنش‌هایی که طی تعامل افراد در فرآیند رفتار مدیریت سود و تحت پدیده محوری و سایر مقوله‌ها رخ می‌دهد تحت این عنوان قابل دسته بندی است. بنابراین با کاوش در نظر خبرگان ابزارهای رفتار مدیریت سود شامل هشت مقوله رفتار فرصت طلبانه، گزارشگری متقلبانه، رفتار کارا، مدیریت زمان مجامع، مدیریت رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه، مدیریت سود اقلام تعهدی، مدیریت سود اقلام واقعی و مدیریت سود اقلام درآمدی می‌باشد. لذا، نتایج این بخش با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط زاکرس^۷ (۲۰۱۵)، لی و ایکسایا^۸ (۲۰۱۶) و پایک^۹ و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد.

^۱. Rosman

^۲. Astami

^۳. Rina

^۴. Cohen

^۵. Nazli

^۶. Miko

^۷. Zagers

^۸. Li & Xia

^۹. Paik

شرایط مداخله گر در این الگو، شامل نظارت بر قضاوت‌های شخصی، اطلاعات پایدار و نظارت شده، نظارت بر سود منعکس شده، تعدیل تضاد منافع، اعتباردهی به اطلاعات، کیفیت حسابرسی، مکانیزم‌های نظارتی، کنترل‌های داخلی، محدودیت در رفتارهای فرصت طلبانه و کنترل انگیزه‌های مدیران می‌باشند که محیط حسابرسی بدین معنی که ضعف در شکل گزارشگری خارجی وجود دارد و شکل گزارش حسابرسان خارجی خیلی وقت‌ها از یک نسخه فرمالیته و تشریفاتی تبعث می‌کند که علاوه بر این طبق نظر برخی از خبرگان، نظام حسابرسی در کشور ایران یک نظام حسابرسی گران و سخت می‌باشد که به اعتقاد خبرگان محیط اجتماعی ناشی از عوامل ضعیف بودن جایگاه سهامدار خرد در جامعه، دیدگاه کوتاه مدت در اقتصاد، سیاست و فرهنگ، خراب بودن افکار افراد، فراموش کار بودن جامعه ایران و دیدگاه کوتاه مدت جامعه ایران می‌باشد که از لحاظ نظارتی، نظام نظارتی ما مکتوب است و یک نظام قانونی و مقرراتی شامل حمایت از حقوق مالکیت، نظارت بر اجرای قراردادها و یک نظام حسابداری مناسب است و بسیاری از تصمیمات اصلی و کلان شرکتها با در نظر گرفتن متغیرهای کلان اقتصادی و سیاسی صورت می‌گیرد؛ بنابراین طبق تحلیل نظر خبرگان ساختار اقتصادی کشور به عنوان عوامل مداخله گر دارای اهمیت بسیار زیادی است؛ که بر روی ارقام صورتهای مالی تأثیرگذار است، کلان‌ترین متغیرهای اثرگذار اقتصادی به اعتقاد خبرگان تغییرات قیمت مربوط نرخ ارزها و سایر متغیرهای اقتصادی می‌باشد که چرا که در کشور ما وقتی متغیرهای کلان اقتصادی تغییر می‌کند شرکت‌هایی که تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند سعی می‌کنند صورتهای مالی شان را با توجه به شرایط اقتصادی تعدیل کنند؛ بنابراین بر روی کیفیت صورتهای مالی هم تأثیرگذار است. از این رو، نتایج این بخش با نتایج مطالعه پایک و همکاران (۲۰۱۹) همسو است.

رفتار مدیریت سود نوعی دستکاری مصنوعی سود توسط مدیریت جهت حصول به سطح مورد انتظار سود برای برخی مقاصد خاص (از جمله حصول پیش بینی تحلیل گران و یا برآورد روند سودهای قبلی برای پیش بینی سودهای آتی) است و به بیانی دیگر مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دستکاری می‌نمایند که این هدف یا به قصد گمراه نمودن برخی از صاحبان سهام در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت صورت می‌گیرد، یا به منظور تأثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آنها منوط به دستیابی به سود مشخصی می‌باشد که با بررسی نظرات مصاحبه شوندگان پیامدهای رفتار مدیریت سود ناشی از هسته پژوهش شامل دو پیامد در سطح شرکت و در سطح کلان می‌باشد که بر اساس ادبیات تحقیق و بررسی نظر خبرگان با توجه به انگیزه مدیران از مدیریت سود، مدیریت سود می‌تواند مثبت و منفی باشد که پیامد مثبت شامل افزایش ارزش سهام، در راستای مثبت کردن ارزش شرکت، افزایش شفافیت اطلاعاتی، آگاهی بخشی سهامدار می‌باشد. نتایج این بخش با نتایج مطالعه چن و چینشام^۱ (۲۰۱۰)، لی و ایکسایا (۲۰۱۶) و چپمن^۲ و همکاران (۲۰۱۱) همسو است.

راهبردهای مربوط به رفتار مدیریت سود تحت تأثیر برخی ویژگیهای زمینه‌ای قرار دارد که طبق نظر خبرگان این شرایط به ترتیب رفتار غیراخلاقی، ضوابط رفتاری و اخلاقی، پابندی به اصول اخلاقی، فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی، رکود اخلاقی، موازین اخلاقی، عقاید دینی، اخلاقیات دینی، احکام دینی، ویژگی‌های شخصیتی، توجیه، ادراک اخلاقی

^۱. Chen & Chinshun

^۲. Chapman

و رهبری اخلاق می‌باشند که رفتار غیر اخلاقی مدیریت سود می‌تواند عامل شکست اخلاقی در شرکت‌ها باشد که حرفه حسابداری یکی از متشکل‌ترین و منضبط‌ترین حرفه‌های دنیاست و به دلیل نوع و ماهیت خدماتی که ارائه می‌کند باید اعتبار و اعتماد خاصی داشته باشد که تداوم این اعتبار و اعتماد و تقویت آن، به پایداری فکری و عملی اعضای حرفه به ضوابط رفتاری و اخلاقی آن بستگی دارد که اخلاق و رفتار حرفه‌ای برای حرفه حسابداری بسیار مهم است و بدون پذیرش و جلب اعتماد استفاده کنندگان ارائه خدمات از سوی حسابداران بیهوده است و اعتماد به خدمات، تابع اعتماد به ارائه کننده و آن نیز تابع درستکاری و پایداری به اصول اخلاقی است. از این رو، نتایج این بخش با نتایج تحقیق لیم^۱ و همکاران (۲۰۰۸) و بامبر^۲ و همکاران (۲۰۱۰) مطابقت دارد.

در نهایت، با استناد به نتایج این مطالعه؛ پیشنهاد می‌گردد که ذینفعان طبق نظر خبرگان در قالب الگوی منسجم رفتار مدیریت سود باید شرایط علی، زمینه ای، مداخله گر، راهبردها و پیامدهای شناسایی شده را در دستور خود قرار دهند تا منجر به ایجاد یک تصمیم بهینه و اتخاذ رویکرد منطقی در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی، نظارتی، سرمایه‌گذاری در شرکت‌های فعال در بازار سرمایه گردد که با انجام هر پژوهش، راه به‌سوی مسیری جدیدی باز می‌شود و ادامه راه، مستلزم انجام پژوهش‌های دیگری است. همچنین، یافته‌های پژوهش گویای آن است که چنانچه مدیران از طریق اعمال اختیارات خود در زمینه‌گزینش‌های حسابداری در گزارشگری مالی انگیزه‌هایی برای گمراه کردن استفاده کنندگان صورت‌های مالی داشته باشند، احتمال دستکاری یا مدیریت سود وجود دارد که وقوع مدیریت سود، این مطلب را می‌رساند که مدیران شرکت معتقدند، دست کم تعدادی از استفاده کنندگان صورت‌های مالی به اندازه آنها از اوضاع و احوال شرکت آگاه نیستند؛ به همین دلیل زمینه لازم برای تامین منافع آنها از طریق فرایند مدیریت سود فراهم است و همچنین، چنانچه مدیریت، اقدام به مدیریت سود نماید، اطلاعات مالی دستخوش انحرافات خواهد شد که برای استفاده کنندگان صورت‌های مالی، گمراه کننده خواهد بود که طبق نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش سازه‌های (دانش ضمنی حسابداری و مالی، دانش مدیریتی و دانش حسابرسی) موجب تقویت مدیریت سود فرصت طلبانه می‌شود که به عبارتی، می‌توان سازه‌های مربوطه را عامل فزاینده رفتار مدیریت سود فرصت طلبانه دانست و از این رو، به نهادهای ناظر، سرمایه‌گذاران بالفعل، بالقوه و سایر ذینفعان پیشنهاد می‌شود که توجه بیشتری به بحث دانش ضمنی مدیران در حوزه حسابداری، مالی، مدیریتی و حسابرسی داشته باشند و آن را در مدل‌های تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند زیرا این سازه‌ها می‌تواند مبنایی برای تصمیم‌گیری آن‌ها باشد که از این رو، در مورد اهمیت دانش ضمنی مدیران و رفتار مدیریت سود کارا و فرصت طلبانه و ایجاد محیط رقابتی شفاف و همچنین، ایجاد محیط شفاف اطلاعاتی و اتخاذ تصمیم بهینه سرمایه‌گذاران به صاحب‌نظران و مدیران بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود در این خصوص و ایجاد فضای نظارتی تدابیری بیندیشند.

در هر پژوهشی که انجام می‌شود محدودیت‌هایی نیز وجود دارد که این محدودیت‌ها عمدتاً موانع مربوط به تعمیم دهی نتایج حاصل از تحقیق است و این تحقیق نیز همانند سایر تحقیقات مبتنی بر روش علمی، بصورت کلی دارای یک سری محدودیت‌هایی است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) محدودیت کلی در انجام این پژوهش، دسترسی نداشتن به برخی افراد خبره برای انجام مصاحبه بود و در

^۱. Lim

^۲. Bamber

صورت دسترسی هم از ارائه زمان به پژوهشگران برای انجام مصاحبه خودداری نمودند.

ب) تعداد مشاهدات، امکان مقایسه نتایج را برحسب نوع فعالیت فراهم نمی‌آورد که دوم آن که ارائه الگویی برای رفتار مدیریت سود، بر اساس نگرش پاسخ‌دهندگان صورت گرفته است و هرچند با طرح سؤالات کنترل و موازی، تلاش شد سوگیری پاسخ‌ها به حداقل برسد، به کارگیری شاخص‌های عینی می‌تواند به سنجش هرچه دقیق‌تر الگوی رفتاری مدیریت سود کمک کند.

فهرست منابع

- اسدی، نجمه، و کرمی، غلامرضا. (۱۳۹۹). الگوی رفتاری مدیریت سود مبتنی بر دانش ضمنی و تجربه مدیران. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۹(۳۶)، ۸۷-۹۵. https://www.jmaak.ir/article_16932.html
- خدادادی، محسن، نونهال نهر، علی اکبر، مشکي، مهدی، و خردیار، سینا. (۱۳۹۹). تاثیر دانش ضمنی مدیران بر مدیریت سود در سطوح مختلف نظارت: یک رویکرد رفتاری. *پژوهش های تجربی حسابداری*، ۱۰(۴)، ۲۵۳-۲۷۵. doi: 10.22051/jera.2019.22323.2196
- رحمانیان کوشککی، عبدالرسول، و نویدی، انیسه. (۱۴۰۰). رابطه بین صورتهای مالی متقلبان و کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر اثربخشی تجربه و نفوذ مدیران در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *پیشرفت های مالی و سرمایه گذاری*، ۱(۱)، ۱۰۱-۱۱۸. doi: 10.30495/afi.2021.1928502.1021
- کاوه، آرزو، بنی مهد، بهمن، رهنمای رودپشتی، فریدون، و نیکومرام، هاشم. (۱۴۰۳). رابطه میان وجدان اخلاقی و تمایل به بیش نمایی سود (آزمون نظریه مدیریت سود کارا و فرصت طلبانه). *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ۱۹(۱)، ۲۱۸-۲۱۲. doi: 10.22034/ethicsjournal.19.1.212
- معین الدین، محمود، نایب زاده، شهناز، یآوری، الهام، و میرمحمدی، محمد. (۱۳۹۴). رابطه اخلاق با رفتار مدیریت سود و تاثیر ویژگی های جمعیت شناختی بر آن. *فصلنامه اخلاق در علوم فناوری*، ۱۰(۲)، ۱۱۹-۱۳۱. doi: 20.1001.1.22517634.1394.10.2.12.5
- ملازاده، محمد، لاری دشت بیاض، محمود، و ساعی، محمد جواد. (۱۳۹۵). تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود. *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۸(۳۰)، ۳۷-۶۰. doi: 20.1001.1.23830379.1395.8.30.3.5
- مهرانی، ساسان، و اسکندر، هدی. (۱۳۹۵). تبیین مدل سازی پارادایم مذاکرات حسابرس - صاحبکار پیرامون گزارشگری مالی. *پژوهش های تجربی حسابداری*، ۶(۴)، ۱۴۳-۱۷۰. doi: 10.22051/jera.2017.2623
- هاشمی بهرمان، مریم، و پورزمانی، زهرا. (۱۳۹۹). تاثیر سبک های تصمیم گیری بر گزارشگری متقلبان. *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۷(۱۲)، ۷۷-۹۱. doi: 20.1001.1.23830379.1399.12.47.4.8
- Aktas, N., Louca, C., & Petmezas, D. (2019). CEO overconfidence and the value of corporate cash holdings. *Journal of Corporate Finance*, 54, 85-106. doi: 10.1016/j.jcorpfin.2018.11.006
- Asadi, N., & Karami, G. (2020). Earning management behavioral pattern based on implicit knowledge and experience of managers. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 9(36), 87-95. https://www.jmaak.ir/article_16932.html [In Persian]

- Astami, E. W., & Tower, G. (2006). Accounting-policy choice and firm characteristics in the Asia Pacific region: An international empirical test of costly contracting theory. *The International Journal of Accounting*, 41(1), 1–21. doi: 10.1016/j.intacc.2005.12.004
- Astami, E. W., Rusmin, R., Hartadi, B., & Evans, J. (2017). The role of audit quality and culture influence on earnings management in companies with excessive free cash flow. *International Journal of Accounting & Information Management*, 25(1), 21–42. doi: 10.1108/ijaim-05-2016-0059
- Bamber, L. S., Jiang, J. (Xuefeng), & Wang, I. Y. (2010). What's my style? the influence of top managers on voluntary corporate financial disclosure. *The Accounting Review*, 85(4), 1131–1162. doi: 10.2308/accr.2010.85.4.1131
- Bei, Z., & Wijewardana, W. P. (2012). Financial leverage, firm growth and financial strength in the listed companies in Sri Lanka. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 40, 709–715. doi: 10.1016/j.sbspro.2012.03.253
- Chapman, C. J., & Steenburgh, T.J. (2011). An investigation of earnings management through marketing actions. *Management Science*, 57(1), 72–92. doi: 10.1287/mnsc.1100.1254
- Chen, C. W., & Wu, C. (2010). Related party transactions and ownership concentration: theory and evidence. *E-Leader Conference Singapore* (pp. 1-8). http://www.g-casa.com/conferences/singapore/papers_in_pdf/wed/Chen.pdf
- Cohen, D. A., & Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*, 50(1), 2–19. doi: 10.1016/j.jacceco.2010.01.002
- Gaio, C., & Pinto, I. (2018). The role of state ownership on earnings quality: evidence across public and private European firms. *Journal of Applied Accounting Research*, 19(2), 312–332. doi: 10.1108/jaar-07-2016-0067
- DeFond, M. L., Lim, C. Y., & Zang, Y. (2016). Client conservatism and auditor-client contracting. *The Accounting Review*, 91(1), 69-98. doi: 10.2308/accr-51150
- Habib, A., Uddin Bhuiyan, B., & Islam, A. (2013). Financial distress, earnings management and market pricing of accruals during the global financial crisis. *Managerial Finance*, 39(2), 155–180. doi: 10.1108/03074351311294007
- Habib, A., Hossain, M., & Jiang, H. (2011). Environmental uncertainty and the market pricing of earnings smoothness. *Advances in Accounting*, 27(2), 256–265. doi: 10.1016/j.adiac.2011.04.003
- Lo, H.-C., Wu, R.-S., & Kweh, Q. L. (2017). Do institutional investors reinforce or reduce agency problems? Earnings management and the post-IPO performance. *International Review of Financial Analysis*, 52, 62–76. doi: 10.1016/j.irfa.2017.04.004
- Huang, X. (Sharon), & Sun, L. (2017). Managerial ability and real earnings management. *Advances in Accounting*, 39, 91–104. doi: 10.1016/j.adiac.2017.08.003
- Juliana, L., Johari, R. J., Said, J., & Wondabio, L. S. (2021). The effects of tone at the top and professional skepticism on fraud risk judgment among internal auditors in Indonesia. *Management & Accounting Review (MAR)*, 20(1), 139-154. <https://ir.uitm.edu.my/id/eprint/47758/>
- Kaveh, A., Banimahd, B., Rahnamaroudposhti, F., & Nikumaram, H. (2024). The Relationship between moral conscience and the tendency to earnings overstatement: a test of the theory of efficient and opportunistic earnings management. *Ethics in Science and Technology*, 19(1), 212-218. doi: 10.22034/ethicsjournal.19.1.212 [In Persian]
- Khodadadi, M., Nonahal Nahr, A., Meshki Miavaghi, M. & Kheradyar, S. (2020). Effects of manager tacit knowledge on earnings management behavior at different levels of monitoring: a behavioral approach. *Empirical Research in Accounting*, 10(4), 253-275. doi: 10.22051/jera.2019.22323.2196 [In Persian]

- Li, D., & Ying, X. (2016). Does stock market liquidity help deter earnings management? evidence from the SEC tick size pilot test (July 3, 2019). In *29th Australasian Finance and Banking Conference*. doi: 10.2139/ssrn.2825789.
- Lim, C. Y., Thong, T. Y., & Ding, D. K. (2007). Firm diversification and earnings management: evidence from seasoned equity offerings. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 30(1), 69–92. doi: 10.1007/s11156-007-0043-x
- Mehrani, S. & Eskandar, H. (2017). Explaining of modeling the auditor- client negotiations paradigm concerning financial reporting. *Empirical Research in Accounting*, 6(4), 143-170. doi: 10.22051/jera.2017.2623 [In Persian]
- Moeinadin, M., Nayebyzadeh, SH., Yavari, E., & Mirmohammadi, M. (2015). The relationship between ethics and earnings management behavior and the investigation of its effect on demographic characteristics. *Ethics in Science and Technology*, 10 (2), 119-131. doi: 20.1001.1.22517634.1394.10.2.12.5 [In Persian]
- Miko, N. U., & Kamardin, H. (2015). Impact of audit committee and audit quality on preventing earnings management in the pre- and post- Nigerian corporate governance code 2011. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 172, 651–657. doi: 10.1016/j.sbspro.2015.01.415
- Mohd Ghazali, N. A., & Weetman, P. (2006). Perpetuating traditional influences: voluntary disclosure in Malaysia following the economic crisis. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 15(2), 226–248. doi: 10.1016/j.intaccudtax.2006.08.001
- Mollazadeh, M., Lari Dasht Bayaz, M., Saei, M.J. (2016). Impact of CEO financial expertise on earnings management. *Financial Accounting and Auditing Research*, 8 (30), 37-60. doi: 20.1001.1.23830379.1395.8.30.3.5 [In Persian]
- Oyewobi, L. O., Windapo, A., & Rotimi, J. O. B. (2016). Relationship between decision-making style, competitive strategies and organisational performance among construction organisations. *Journal of Engineering, Design and Technology*, 14(4), 713-738. doi: 10.1108/jedt-04-2015-0025
- Paik, Y., Lee, J. M., & Pak, Y. S. (2017). Convergence in international business ethics? a comparative study of ethical philosophies, thinking style, and ethical decision-making between US and Korean managers. *Journal of Business Ethics*, 156(3). doi: 10.1007/s10551-017-3629-9
- Pourzamani, Z., Hashemi Bahraman, M. (2020). The impact of decision making methods on fraudulent financial reporting. *Financial Accounting and Auditing Research*, 12 (47), 91-77. dor: 20.1001.1.23830379.1399.12.47.4.8 [In Persian]
- Rahmanian Koushkaki, A., & Navidi, E. (2020). The effect of managers' experience and influence on the relationship between fraudulent financial statements and the quality of financial reporting of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Advances in Finance and Investment*, 1(1), 101-118. doi: 10.30495/afi.2021.1928502.1021 [In Persian]
- Rina, B., & Takiah, M. (2009). Surplus free cash flow, earning management and audit committee. *Journal of Economics and Management*, 3(1), 204-223.
- Rosman, A. J., Biggs, S. F., & Hoskin, R. E. (2011). The effects of tacit knowledge on earnings management behavior in the presence and absence of monitoring at different levels of firm performance. *Behavioral Research in Accounting*, 24(1), 109–130. doi: 10.2308/bria-10120
- Watts, R. L., Zimmerman, J. L., (1986). *Positive accounting theory*. Englewood Cliffs, Prentice-Hall: NJ.
- West, A. N., & Fleischman, G. M. (2022). The roles of cynicism, CFO pressure, and moral disengagement on FIN 48 earnings management. *Journal of Business Ethics*. doi: 10.1007/s10551-022-05210-1
- Zagers-Mamedov, I., (2015). *The effect of leverage increases on real earnings management master thesis*, Erasmus University, Netherlands.